

Providing a governance model on online video platforms Emphasizing industry self-regulation

Morteza Ghasemzadeh Araghi*, **Hassan Khojasteh Bagherzadeh****

Abdolreza Shahmohammadi Salmani***

Abstract

Today Extensive efforts are being made around the world to redefine the relationship between government, society and the private institutions. Nowhere is this redefinition more necessary than new communication spaces, where new Changes, need to establish new methods of Participatory Governance in the chain of production, publication and media consumption has become important. In this study with the qualitative approach affected by Grounded Theory and interviews, as well as analysis of policy documents ,The most important goal is to find answers to key questions concerning the role and responsibility of industry in the process of regulation and providing accurate and scientific model. results show that need to realize the public interest through Establish an institutional mechanism and the set of strategic actions in the formulation of soft law, enforcement of motivation - based

* Ph.D. Student of Communication, Department of Communication, Faculty of Communication and Media Studies, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, ghasemzadeh1362@gmail.com

** Associate Professor, Department of Television, Radio and Television Faculty, IRIB University, Tehran, Iran, (Corresponding Author) khojastehhasan@yahoo.com

*** Assistant Professor, Department of Communication, Faculty of Communication and Media Studies, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, abreza@gmail.com

Date received: 23/07/2021, Date of acceptance: 23/10/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

mechanisms and judgment mechanisms is based on arbitration in order to realize the content layer of the national information network of Iran.

Keywords: Self- regulation, and Co-regulation, Online media platform, Audiovisual Media, governance

ارائه الگوی حکمرانی در پلتفرم‌های ویدئویی آنلاین با تأکید بر نقش صنعت (خودتنظیم‌گری)

مرتضی قاسم‌زاده عراقی*

حسن خجسته باقرزاده**، عبدالرضا شاه محمدی سلمانی***

چکیده

امروزه در سراسر جهان تلاش‌های وسیعی برای بازتعریف رابطه میان حاکمیت، جامعه و بخش‌های خصوصی صورت می‌گیرد؛ در هیچ کجا این بازتعریف مهم‌تر از فضاهاى جدید ارتباطی نیست؛ جایی که در آن تحولات جدید، نیاز به استقرار شیوه‌های نوین حکمرانی مشارکتی در زنجیره تولید، نشر و مصرف رسانه‌ای را دوجندان نموده است؛ هدف از این تحقیق یافتن پاسخ برای سؤالات کلیدی مربوط به نقش و مسئولیت صنعت در فرایند تنظیم‌گری و ارائه الگویی مطلوب و علمی از نظام خودتنظیم‌گری می‌باشد؛ برای دستیابی به این هدف از رویکرد کیفی متأثر از روش داده‌بنیاد و مصاحبه با سیاست‌گذاران، خبرگان علمی و اعضای از مدیران رسانه‌ها و همچنین تحلیل اسناد سیاستی استفاده شده است، یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده نیاز برای تحقق منفعت عمومی از طریق ایجاد سازوکار نهادی و مجموعه اقدامات راهبردی در تدوین حقوق نرم، اجرای مکانیسم‌های مشوق و

* دانشجوی دکتری، گروه ارتباطات، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد، ایران،

ghasemzadeh1362@gmail.com

** دانشیار گروه رادیو، دانشکده تولید، دانشگاه صدا و سیما، ایران (نویسنده مسئول)،

khojastehhasan@yahoo.com

*** استادیار گروه ارتباطات، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد، ایران، abreza@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

انگیزه محور و سازوکارهای حقوقی مبتنی بر داوری به منظور تحقق لایه محتوایی شبکه ملی اطلاعات و توسعه سپهر رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: خودتنظیم‌گری، تنظیم‌گری مشارکتی، حکمرانی، خدمات رسانه‌ای، پلتفرم ویدئویی آنلاین.

۱. مقدمه و بیان مسئله

چشم‌انداز رسانه‌ها در دهه‌های اخیر به طرز چشمگیری تغییر کرده است؛ امروزه به جای نشستن در مقابل تلویزیون، میلیون‌ها مخاطب-کاربر محتوا را به صورت آنلاین، به صورت درخواستی و در دستگاه‌های مختلف مشاهده می‌کنند. پیش‌بینی می‌شود سهم جهانی ویدئو آنلاین در ترافیک اینترنت مصرف‌کننده از ۶۷٪ در سال ۲۰۱۶ به ۸۰٪ تا سال ۲۰۲۱ افزایش یابد؛ کاربران ویدئویی در اینترنت نزدیک به ۱.۹ میلیارد برسد و هرماه ۳ تریلیون دقیقه فیلم تماشا کنند (مطالعات سیسکو، ۲۰۱۷). فضای رسانه‌ای ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست و محیط رسانه‌ای ایران در حال توسعه یک زیست‌بوم جدید رسانه‌ای هست که در آن دیگر رسانه‌های سنتی دیداری و شنیداری (رادیو و تلویزیون) تنها مرجع دسترسی کاربران و مخاطبان برای دریافت محتوا و رفع نیازهای رسانه‌ای آن‌ها نیستند. گزارش مرکز پایش تجارت الکترونیک (۱۳۹۸) در خصوص بازار پلتفرم‌های ویدئویی نشان می‌دهد که بازیگران متعددی در حوزه‌های «ویدئو مبتنی بر درخواست» (VOD)، پلتفرم‌های اشتراک ویدئو (Video-Sharing Platforms)، «تلویزیون مبتنی بر پروتکل اینترنت» (IPTV)، «سوپراپ‌ها» (Super-app) و «پخش زنده» (Live Streaming) وارد این عرصه شده‌اند و توانسته‌اند بخش قابل توجهی از سبد مصرف رسانه‌ای کاربران و مخاطبان را به خود اختصاص دهند و به واسطه دادوستدهای زیرساختی، محتوا و سرویس میان این کنش‌گران، زنجیره ارزش و در نهایت صنعت رسانه‌ای در ایران در حال شکل‌گیری است؛ سؤال متداول این است که چگونه می‌توان این تحولات جدید را با توجه به منافع حاکمیت؛ منافع صاحبان صنایع و منافع شهروندان تنظیم کرد؟ این موضوع در این پژوهش به‌عنوان یک عامل کانونی و مهم تلقی می‌شود، زیرا اتخاذ یک اقدام تنظیم‌گرانه کارآمد، نیاز به درک گزینه‌های تنظیم‌گری موجود و نحوه واکنش نهادهای مورد تنظیم نسبت به اقدامات اتخاذشده دارد.

پیش‌ازاین دولت‌های ملی از طریق سازوکار فرمان- کنترل (Command-control)، تنظیم‌گری سخت‌گیرانه‌ای را به‌ویژه در قالب قوانین مربوط به انحصار و منافع عمومی در بخش رسانه‌های دیجیتال اعمال می‌نمودند (Noam, 1992; Latzer 1997; Schneider 2001; van Cuilenburg and McQuail 2003; Bauer 2010)؛ در دهه‌های اخیر، با تغییرات جدید این الگوی غالب مداخله دولتی در بخش‌های رسانه‌های دیجیتال کمتر شده است و الگوهای جدید و نوظهور نظارت، منجر به تحولات نقش دولت در بخش‌های ارتباطات همگرا شده است (Latzer 1999; Just and Latzer 2004, p. 40)؛ با توجه به ابعاد نهادی حکمرانی ارتباطات، این تحول به چندین روش بازتاب می‌یابد که عبارت‌اند از: تغییر از قوانین ملی به قوانین بین‌المللی، ایجاد نهادهای تنظیم‌گر مستقل، افزایش تنظیم‌گری مشترک و خودتنظیم‌گری. این رویه‌ها منجر به توزیع مجدد مسئولیت‌های قانونی در شیوه نظارت و کنترل در بخش رسانه‌ها مجازی و توجه به رویکرد «چند ذینفعی» شده است که در آن تنظیم‌گری از تمرکزگرایی دولتی به سمت فعالان خصوصی (صنعت) و اجتماعی به‌پیش می‌رود (Scott, 2002)؛ چنانچه مطالعات نظری و تجربیات عملیاتی تجربه‌ای را با نقش شرکت‌ها، دولت‌ها و کاربران - شهروندان را نشان می‌دهد (Lessig, 1998)؛ همان‌طور که گروه کاری حکمرانی اینترنت (Working Group on Internet Governanc) در اجلاس ۲۰۰۵ سران جامعه اطلاعاتی (World Summit on the Information Society) گزارش داد، حکمرانی خوب اینترنت درگرو مشارکت نهادهای دولت، صنعت و کاربران اینترنت می‌باشد (MacLean, 2004)؛ در این میان یکی از ذینفعان صنعت است؛ نظرسنجی‌های «لسیگ» (Lessig) و «مارسدن» (Marsde) نشان می‌دهد فرآیندهای پویای جهانی و تغییرات فناوری باعث شده تا دولت‌ها بخشی از قدرت قانونی خود را در راستای یک تنظیم‌گری بهتر به بازیگران بخش خصوصی تفویض و یا واگذار کنند و خود تنظیم‌گری به‌عنوان یکی از ابزارهای نوین تنظیم‌گری به‌سرعت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شود (Lessig, 1999. Marsden, 2000)؛ درعین حال باید توجه داشت تنظیم‌گری مشارکتی و خودتنظیم‌گری جایگزینی برای تنظیم‌گری حاکمیتی محسوب نمی‌شوند؛ بلکه آن را تکمیل می‌کنند. انواع سه‌گانه تنظیم‌گری، جدا از یکدیگر نیستند اما استفاده از آن‌ها منوط به شرایط ملی و اهداف تنظیم‌گری است. این پژوهش با تأکید بر سیاست‌های کلی کشور در حوزه خدمات رسانه‌ای در فضای مجازی، توجه خود را بر یکی از ذینفعان این حوزه یعنی صنعت متمرکز کرده و تلاش می‌کند با تأکید بر حکمرانی چند ذینفعی در

پلتفرم‌های ویدئویی آنلاین، دلایل و اهداف اساسی برای ایجاد خود تنظیم‌گری، نقش‌های قابل ایفا توسط خود تنظیم‌گری و مکانیسم‌های اجرایی آن نقش‌ها را شناسایی و در نهایت نظام مطلوب خود تنظیم‌گری در خدمات صوت و تصویر فراگیر را طراحی نماید.

۲. سوالات پژوهش

- نظام مطلوب خودتنظیم‌گری رسانه‌ها صوت و تصویر فراگیر کدام است؟
- مهم‌ترین منافع و نیازهای سیاست‌گذاری برای خودتنظیم‌گری خدمات رسانه‌ای کدام‌اند؟
- برای تحقق این منافع و نیازها چه اقدامات و راهبردهایی باید اجرا شود؟
- این اقدامات و راهبردها دارای چه ابعادی است؛ شرایط محیطی و مداخله‌گر تأثیرگذار بر آن کدامند؟
- چه نتایج و پیامدهایی از اجرای خود تنظیم‌گری مورد انتظار است؟

۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

ترتیبات مداخله مستقیم دولت‌ها و نهاد حاکمیتی در جامعه و بازارها توأمان دارای کارکردهای مثبت و همچنین نقاط ضعفی می‌باشد. تکنیک‌ها و ابزارهای الگوی مداخله مستقیم به دلیل قوت، اقتدار عملکردی و همچنین جایگاه مشخص در نظام‌های تنظیم‌گری مورد توجه بسیاری از پژوهشگران و حتی نظام‌های سیاسی بوده است؛ این الگوی مداخله مستقیم دستور- نظارت اما به دلایل مختلفی مورد نقد نیز قرار گرفته است؛ «تسخیر تنظیم‌گری» (Regulatory capture) اصلاحی است که اغلب برای توضیح شکست ابزارها و تکنیک‌های مداخله مستقیم حاکمیتی به کار می‌رود، جایی که اقدامات تنظیم‌گرانه به جای این‌که در خدمت منافع عمومی جامعه قرار گیرند در خدمت منافع تنظیم‌شونده قرار می‌گیرند؛ دلیل این موضوع فقدان اطلاعات و درجه‌ای از فشار و نفوذ بر فرآیندهای فعالیت تنظیم‌گرانه است؛ انتقاد دیگر از این رویکرد منبعث از میل طبیعی نهادهای تنظیم‌گر دولتی برای ایجاد مقررات و استانداردها می‌باشد که این موضوع باعث پدیده‌ای به نام «تورم مقرراتی» می‌شود و گاهی مانعی برای افزایش و توسعه تولید در حوزه فعالیت‌های

رسانه‌ای می‌شود؛ دلایل ازدیاد حجم مقررات عمدتاً ناشی عدم تخصص‌گرایی در مقررات‌گذاری خصوصاً در محیط پیچیده تحت تأثیر تحولات فناوری است؛ از سوی دیگر هزینه‌های الگوی مقررات‌گذاری دولتی صرفاً معطوف به هزینه‌های مادی نمی‌شود بلکه «هزینه‌های متابعت» را که شکلی از «هزینه سیاسی» هست را در برمی‌گیرد؛ در واقع ایجاد وفاق اجتماعی-سیاسی میان کنشگران و ذینفعان بر مبنای منافع مشترک از جمله دشواری‌های تنظیم‌گری می‌باشد. موضوع دیگر که توجه به پژوهش در حوزه مطالعات مربوط به راهبردهای جایگزین تنظیم‌گری را مهم می‌نماید «عدم قطعیت» نتایج حاصل مقررات‌گذاری است، چراکه در راهبردهای جایگزین، امکان اجرای آزمایشی ابزارهای سیاست به منظور آشنایی برای اینکه کدام استانداردهای کارآمد هستند، کسب اطلاعات موردنیاز و همچنین ضمانت اجرایی تصمیمات وجود دارد؛ لذا طراحی مدل‌هایی که ویژگی‌های محدودیت‌های آن ضمن رعایت چارچوب‌های فرهنگی-قانونی موجب شکست بازارها نشود و همچنین برای اثربخشی و اجرای آن به‌قدر کافی انگیزه محور باشد، ضروری تلقی می‌شود.

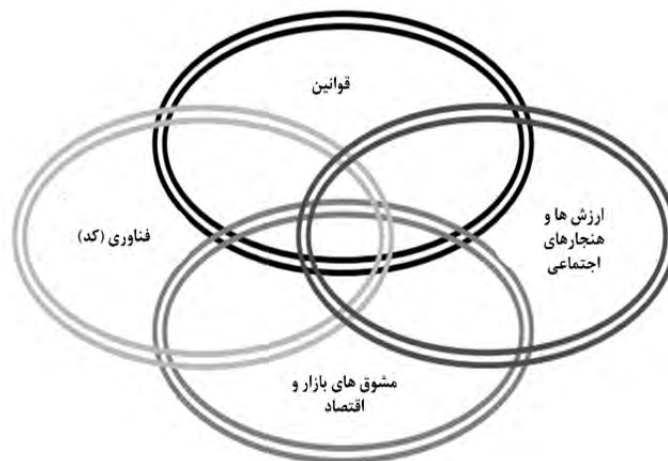
۴. مروری بر قالب‌های مفهومی و نظری

۱.۴ چپستی تنظیم‌گری و نظریه‌های آن

تعریف «تنظیم‌گری» (Regulation) مانند بسیاری از مفاهیم مربوط به «سیاست‌گذاری»، امری دشوار است؛ این شورای نه به خاطر تعاریف متفاوت بلکه به دلیل بکار گرفتن در اهداف مختلف قیاسی، نظری و تحلیلی می‌باشد (Black 2002 ; Baldwin , Scott & Hood 1998)؛ برای راست‌گرایان افراطی، تنظیم‌گری نمایانگر دست‌سنگین دولت‌های اقتدارگراست که آزادی‌های فردی یا ملی را محدود می‌کند. از نظر چپ قدیم تنظیم‌گری بخشی از روبنایی است که منافع طبقه مسلط را تأمین و روابط قدرت را ترسیم می‌کند. برای دموکرات‌های مترقی، این یک کالای عمومی است، ابزاری برای کنترل سرمایه‌داران تشنه سود و کنترل خطرات اجتماعی؛ برای برخی دیگر به‌مانند بسیاری از موضوعات مربوط به سیاست‌گذاری عمومی، مجموعه‌ای از کنش‌ها و فعالیت‌های دولت در پاسخ به مسائل اجتماعی است (فرخی و نادری نژاد، ۱۳۹۸: ۱۱۶)؛ لاتزر و همکاران (Latzer et al) بر اهمیت منابع تنظیم‌گری تأکید می‌کنند و به دلیل استقلال و تخصص موجود، آن‌ها را به‌عنوان

«شاخه‌ی چهارم دولت» تعیین می‌کنند. «سلزنیک» (Selznick) تعریف تأثیرگذاری ارائه نمود که طی آن تنظیم‌گری به‌عنوان کنترل مستمر و متمرکز اعمال‌شده توسط موسسه‌ای عمومی بر تمام فعالیت‌هایی تعریف شد که برای یک جامعه ارزشمند می‌باشند؛ لاتزر و همکاران تنظیم‌گری را هدایت هدفمند رفتار را در جهت حل مشکلات سیاسی مورد توجه قرار می‌دهند (Latzer et al, 2002, p: 30,63). «بالدوین» و «لاج» (Baldwin and Lodge) به شکلی گسترده‌تر تنظیم‌گری به‌عنوان «تأثیر عمده‌ی دولت» بر جامعه و بازار در نظر گرفته می‌شود. این تفسیر از تنظیم‌گری همچنین به بازیگران غیردولتی مانند نهادهای خودتنظیم‌گر، اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌ها، شرکت‌ها و سایر مؤسسات یا ارگان‌هایی توجه دارد که در قالب یک طرح حاکمیتی چندلایه بر رفتار تأثیر می‌گذارند. (Baldwin et al, 2012, p: 3).

لسیگ نیز به شکلی مشابه بر چهار محدودیت وابسته به هم اشاره می‌کند که یک‌نهاد را محدود می‌کنند. این چهار محدودیت شامل بازار، قانون، هنجارها و معماری می‌باشند، جدیدترین و جالب‌ترین نوع محدودیت شامل معماری (Architecture) است که به فناوری یا کدی (Code) اشاره می‌کند که نحوه‌ی دسترسی افراد به فضای مجازی را تنظیم می‌نماید (Lessig, 2006, p: 123).



شکل ۱. عناصر در مدل تنظیم‌گری لسیگ

پاسخ به سؤال اینکه «چرا حاکمیت اقدام به تنظیم‌گری می‌کند؟» معمولاً با استفاده از نظریه‌های مختلفی تعریف و توجیه می‌شود؛ نخستین نظریه «نظریه‌ی مبتنی بر منفعت» نامیده می‌شود. بر اساس نظریه‌ی منفعت عمومی (Public interest) تنظیم‌گری به دنبال حفاظت از اهداف مربوط به منافع عمومی هست (Baldwin et al, 2012, pp. 40, 41; Breyer, 1982, p. 15; Latzer et al, 2002, p. 31). برای این اساس نهادهای مربوط به تنظیم‌گری به‌عنوان نمایندگان خیرخواه منافع عمومی عمل می‌کنند (Baldwin et al, 2012, p. 41). طبق نظریه منفعت عمومی، تنظیم‌گری دولتی ابزاری برای غلبه بر معایب رقابت ناکامل، عملکرد بازار نامتعادل، بازارهای گم‌شده و نتایج نامطلوب بازار است (Hertog, 1999, p. 225).

بخش دوم نظریه‌ی مبتنی بر منفعت بیان می‌کند که تنظیم‌گری در نتیجه‌ی نگرانی‌های خاص گروه‌های ذی‌نفع حاصل می‌شود (Baldwin et al, 2012, p. 43; Latzer et al, 2002, p. 32). در قلب مکتب شیکاگو این واقعیت قرار دارد که تنظیم‌گری در درجه‌ی اول متأثر از صنعتی هماهنگ و قدرتمند هست که قادر است اعضای خود را برای تأثیرگذاری بر تنظیم‌گری هماهنگ کند. این در حالی است که منافع گروه‌های سازمان‌یافته و پراکنده در جامعه (مانند مصرف‌کنندگان) در خروجی سیستم تنظیم‌گری نادیده گرفته می‌شود (Baldwin et al, 2012, pp. 44-50).

بخش سوم نظریه تبیین‌کننده تنظیم‌گری از منظر تفکر نهادی نشأت می‌گیرد؛ «نظریه شبکه» (network theory) در مکتب فکری نهادی طی سال‌های اخیر محبوبیت زیادی به دست آورده است. این نظریه در ارتباط با مفهوم حکمرانی (Governance) می‌باشد؛ به این معنا که دولت دیگر فقط در فضای تنظیم‌گری فعالیت نمی‌کند بلکه در هم‌تندگی ساختارهای ملی، منطقه‌ای و جهانی سبب شده است که دولت قدرت خود را تقسیم و ابزارهای تنظیم‌گری و نظارتی خود را متنوع نماید (Weinand, 2018, p. 141).

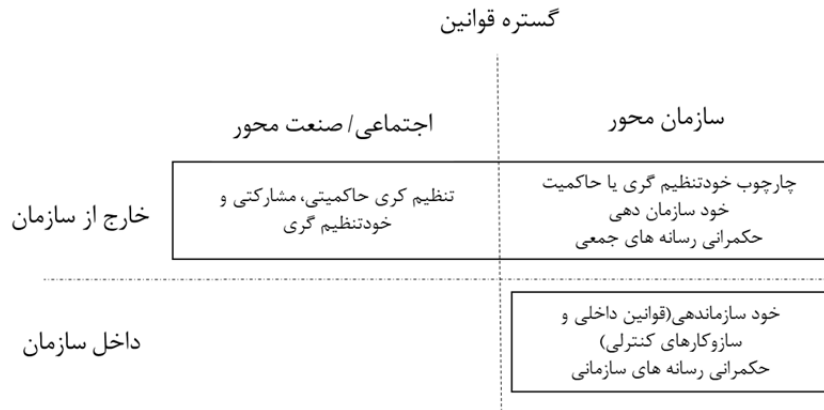
۲.۴ تنظیم‌گری و حکمرانی رسانه‌ای به‌عنوان یک مفهوم تحلیلی

به اعتقاد بسیاری از متفکران حکمرانی رسانه فراتر از تنظیم مقررات رسانه است و اقدامات آن حول مجموعه‌ای از سازوکارها به‌صورت رسمی و غیررسمی، ملی و فراملی، متمرکز و پراکنده است که هدف آن سازمان‌دهی نظام‌های رسانه‌ای است (Freedman, 2008, p. 14)؛ بر این مبنا و به‌منظور حفظ پاسخگویی رسانه، چارچوب‌های مسئولیت‌پذیری عمومی و

حرفه‌ای (McQuail, 2005, pp. 211–215) در سطوح پایین‌تر این صنعت اهمیت داشته که در هدف کلی خط‌مشی رسانه که همان شکل‌گیری ساختار و رفتار نظام‌های رسانه است، تأثیرگذار خواهد بود. «هملینک» و «نودرن استرنگ» (Hamelink and Nordenstreng) حکمرانی رسانه را به‌عنوان چارچوبی از اقدامات اجرایی، قوانین و نهادهای وضع‌کننده محدودیت‌ها و مشوق‌ها جهت عملکرد رسانه‌ها، تعریف کرده‌اند (Puppis, 2010. P. 138). «مک‌کوئیل» (McQuail) حکمرانی رسانه را به‌صورت شکل‌های متعدد مدیریت و پاسخ‌گویی در رسانه و روابط نهادی بین رسانه و جامعه توصیف کرده است (McQuail, 2007, pp. 17–18).

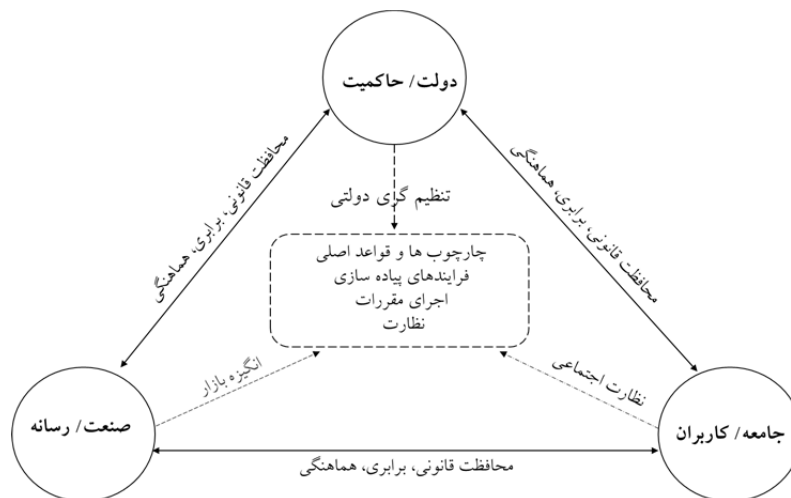
باید توجه داشت که حکمرانی دارای مفهومی دوگانه است؛ از یک‌سو، مفهوم حکمرانی نگاه یکپارچه‌ای به تنظیم مقررات دارد و از سوی دیگر، می‌توان از مفهوم حکمرانی تحلیلی در حوزه‌های نظری مختلف جهت توصیف جنبه‌های مختلف ساختار تنظیم‌گری بهره برد (Puppis, 2010. P. 141).

با نگاه یکپارچه مفهوم حکمرانی در ابتدا دربرگیرنده بحث در مورد گسترش عمودی و افقی دولت است (Latzer, 2007; Puppis, 2007)؛ در مورد گسترش افقی، حکمرانی رسانه دربرگیرنده تنظیم‌گری حاکمیتی و همچنین خودتنظیم‌گری و تنظیم‌گری مشارکتی است. (Baldwin and Cave, 1999, p. 2). در مورد گسترش عمودی، حکمرانی توجه ما را به سطوح متفاوت تنظیم‌گری جلب می‌کند (Walsh, 2012, P. 321)؛ همچنین مفهوم حکمرانی رسانه نه تنها دربرگیرنده شکل‌ها و سطوح مختلف حکمرانی جمعی بوده بلکه شامل حکمرانی سازمانی است. می‌توان کلیت شکل‌های سازمانی و جمعی قوانین را در یک ماتریس جای داد (شکل ۲).



شکل ۲. حکمرانی رسانه‌های جمعی و سازمانی
(Puppis, 2010, P. 141)

هم‌چنین رویکرد حکمرانی بر تعاملات بسیار میان نهادهای دولت و صنعت و شهروندان و همچنین ناهمگنی و تعداد زیاد بازیگران فعال در سیستم چندلایه‌ای و «چند ذی‌نفعی» (Multi-stakeholder) توجه و تأکید دارد؛ این رویکرد همچنین بیان می‌کند که ساختارهای ارتباطی مبتنی بر شبکه به شکل فزاینده‌ای پیچیده، پویا و متنوع شده‌اند (Katzenbach, 2013, p. 400).



شکل ۳. رویکرد چند ذی‌نفعی در حکمرانی و تنظیم‌گری

۳.۴ مفهوم‌سازی خودتنظیم‌گری

شرح مفهوم خودتنظیم‌گری کار سخت و دشواری است (Campbell, 1999, p.714) و همان‌طور که «پرایس» و «رهولست» (Price and Verhulst) تأکید دارند، عنوانی نادرست و اشتباه می‌باشد (Price and Verhulst, 2001, p. 58). این اصطلاح در مفهومی گسترده‌تر، تنظیم‌گری را با بازیگران خصوصی و به عبارتی با عوامل تنظیم‌گری در ارتباط می‌داند. یک نقطه شروع مناسب این خواهد بود که آیا «خود» در «خودتنظیم‌گری» مربوط به خود به‌عنوان یک فرد است یا خود به‌عنوان جمعی از افراد. علی‌رغم اینکه کلمه «خود» دلالت بر یک فرد دارد، اما در خودتنظیم‌گری بیشتر بر تنظیم رفتار یک گروه از افراد (صنعت) اشاره دارد (Campbell, 1999, p.714). که در شرایطی خاص، به شکلی داوطلبانه قوانینی را وضع می‌کنند که طی آن فعالیتی خاص تنظیم‌شده، ریسکی ادراک‌شده یا رفتاری خاص مورد تشویق قرار می‌گیرد. برای مفهوم‌سازی دو مسئله قابل‌تأمل است؛ اول، شکل تصمیم‌گیری؛ به عبارتی آیا نهادی خاص ایجاد خواهد شد که وظیفه‌ی استانداردسازی را به نمایندگی از طرف صنعت بر عهده گیرد؟ مسئله‌ی دوم در رابطه با ماهیت (حقوقی) خروجی ایجادشده توسط چارچوب‌های نهادی است؛ به این معنا که آیا استانداردهای یک‌سانی مورد مذاکره قرار خواهند گرفت و اینکه آیا این استانداردها الزام‌آور هستند و برای چه کسانی (Palzer, 2002, p.2).

برای تجزیه تحلیل و تمرکز بر مدل‌های خودتنظیم‌گری، «پریس» خودتنظیم‌گری براساس ده ویژگی طبقه‌بندی می‌کند:

۱. مشارکت دولت: به درجه‌ای از نقش دولت در شکل‌دهی، تعیین سیاست‌ها و قوانین، نظارت بر عدم رعایت، اعمال تحریم‌ها و عموماً مشارکت در امور مربوطه تنظیم‌گری اشاره دارد.
۲. منبع قدرت: منبع قدرت برای وضع قوانین، نظارت بر رفتار، قضاوت، اجرای و تحریم مقررات ممکن است ایجاد رویه‌های تعهد جمعی در میان توافق‌کنندگان و یا منبع قدرت دولت باشد.
۳. مشارکت عموم: برخی از نظام‌های خودتنظیم‌گری برای ورود مردم و یا از طرف نمایندگان «عموم مردم» فرصت ایجاد نفوذ و اطلاعات را ایجاد می‌کنند.

۴. پاسخگویی در برابر عموم و دولت: عنصر پاسخگویی در برابر دولت یا عموم مردم یکی از وجه تمایز میان نظام‌های خودتنظیم‌گر است؛
 ۵. قانون‌سازی: در برخی از نظام‌ها، خودتنظیم‌کننده مقرراتی را وضع می‌کنند در نظام‌های دیگر قوانین توسط دولت وضع می‌شود؛
 ۶. قضاوت: قدرت و مسئولیت تصمیم‌گیری در مورد عدم رعایت قوانین و حل و فصل اختلافات را می‌توان در صنعت، در داوران یا واسطه‌های شخص ثالث خنثی، در دادگاه‌ها یا نهادهای داوری یافت.
 ۷. تحریم‌ها: دامنه و قدرت تحریم‌های موجود در نظام‌های خودتنظیم‌گری از عدم تأیید نظیر تا تحریم‌های کیفری متفاوت است، محدوده‌ای که میزان دخالت دولت را نیز منعکس می‌کند.
 ۸. جرائم (نظارتی، مدنی، کیفری): درجه‌ای که رژیم‌های خودتنظیم‌گر به اختیارات دولت در ایجاد جرائم قانونی و مجازات رفتارهای متخلف متکی هستند.
 ۹. عضویت / پوشش: برخی از رژیم‌های خودتنظیم‌گری کل صنایع را تحت پوشش قرار می‌دهند. در برخی دیگر، شرکت‌ها یا افراد داوطلبانه مورد تنظیم‌گری قرار می‌گیرند.
 ۱۰. بررسی قضایی: این‌ها سازوکارهای دولتی برای تحمیل پاسخگویی، ایجاد استانداردهای رفتاری و افزایش صراحت است (Pries, 1998, p. 240-241).
- لیونز، والک و والگاردن بر دو عامل جمعی در زمینه‌ی مفهوم‌سازی تنظیم‌گری تأکید می‌نمایند: اول گروهی از بازیگران که قوانین را ایجاد، اجرا و پیاده‌سازی می‌کنند و دوم حداقل دخالت دولت (Lievens et al., 2010, p. 28). اولین عامل یادآور مفهوم خودتنظیم‌گری کمپبل (Campbell) است و به نظر می‌رسد که به خوبی می‌تواند به تنوع موجود در مدل‌های خودتنظیم‌گری اشاره کند (Campbell, 1999, p. 715; Latzer, 2013, p. 376). براین اساس، صنعت یک یا چند فعالیت در زمینه‌ی تنظیم‌گری انجام می‌دهد که عبارتند از: قانون‌گذاری، اجرا و ارزیابی (Campbell, 1999, p. 715). قانون‌گذاری (Legislation) به معنای تدوین و وضع قوانین مشترک است، اجرا (Enforcement) به معنای کاربرد این قوانین، برای نمونه توسط عوامل نظارتی، و در نهایت ارزیابی شامل فرایندی است که تخلفات صورت گرفته را شناسایی و مجازات می‌کند. دومین عامل با مفهوم خودتنظیم‌گری لیونز، والک و والگاردن با نقش دولت در ارتباط می‌باشد؛

به نظر می‌رسد که تمام محققان در رابطه با وجود نقش دولت در زمینه‌ی تنظیم‌گری، هرچند محدود و کوچک، اتفاق نظر دارند (Ibid).

در خصوص ارتباط میان خودتنظیم‌گری و دولت‌ها، «بارتل» و «واس» (Bartle and Vass) تقسیم‌بندی پنج‌گانه ارائه شده است:

۱. همیاری: جایی که آن‌ها این مقوله را شامل همکاری بین تنظیم‌گر و نهادهای موردتنظیم می‌دانند.

۲. نمایندگی: شامل تفویض اجرای وظایف توسط یک مقام عمومی به نهادهای خودتنظیم‌گر است.

۳. واگذاری: مربوط به واگذاری اختیارات قانونی به نهادهای خودتنظیم‌گری است.

۴. تسهیلی: این دسته خودتنظیم‌گری صریحاً تحت حمایت دولت در نظر گرفته می‌شود.

۵. تلویحی یا ضمنی: نزدیک‌ترین نمونه به خودتنظیم‌گری محض است (Bartle and Vass, 2005, p.2).

ویژگی‌های مطرح شده باعث شده تا طیف‌های مختلفی از انواع مختلف خودتنظیم‌گری موردتوجه بسیاری از نظریه‌پردازان قرار گیرد.

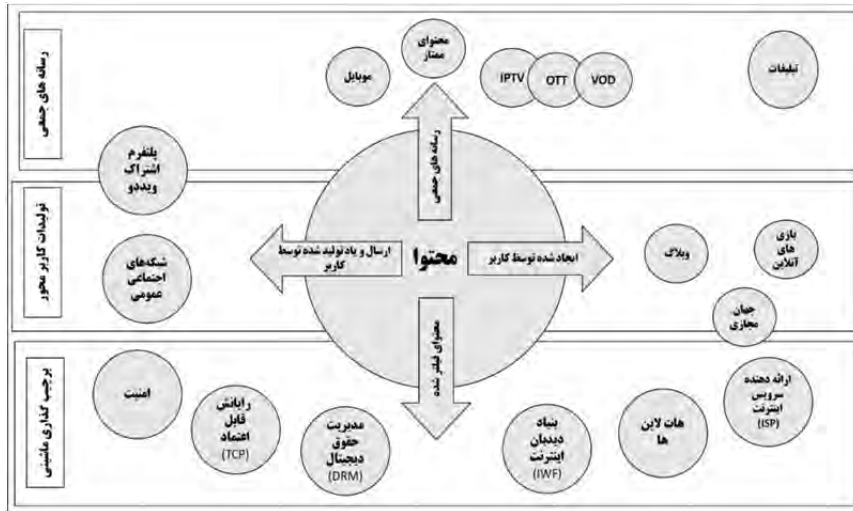
۴.۴ انواع و طبقه‌بندی نظام‌های خودتنظیم‌گری

انواع نظام‌های تنظیم‌گری جایگزین در پژوهش‌ها متعددی موردتوجه قرار گرفته است (Michael 1995; Baldwin and Cave 1999; Oguş 2001; Black 2001;)؛ لاتزر و همکاران این اشکال مختلف و پیچیدگی‌های معنایی خودتنظیم‌گری را در یک پیوستار موردبررسی قرار می‌دهند (Latzer et al, 2013, p377). طیف موردنظر شامل مقیاسی است که در آن بخش‌های انتهایی طیف به‌عنوان «مدل‌های ایده‌آل تنظیم‌گری دولتی کامل و خودتنظیم‌گری صنعتی کامل» در نظر گرفته می‌شوند (Latzer et al, 2002, p.134). پرایس و ورهولست طیفی ارائه می‌کنند که طی آن تنظیم‌گری به میزان کم‌وبیشی روی داده است و سه شکل شناخته شده‌ای از تنظیم‌گری را نشان می‌دهد: سازمان‌دهی دولت، خودسازمان‌دهی صنعت و سازمان‌دهی بازار. درحالی‌که مورد اول بیانگر رویکردی رسمی‌تر می‌باشد، مورد دوم غیررسمی‌تر است (Price and Verhulst, 2001, p. 59).

پرایس و ورهولست نیز به همین ترتیب بین «خودتنظیم‌گری اجباری» (enforced self-regulation) که در آن خودتنظیم‌گری قبل از تنظیم‌گری دولتی قرار دارد و «خودتنظیم‌گری داوطلبانه» (voluntary self-regulation) تمایز قائل می‌شوند که طی آن خودتنظیم‌گری نتیجه فرهنگ مدنی است که دولت به وسیله‌ی آن با صنعت همکاری می‌کند. در مواردی خاص، میان خودتنظیم‌گری اجباری و استاندارد تمایز زیادی قائل شده‌اند. بر اساس رویکرد خودتنظیم‌گری اجباری دولت چارچوبی کلی ایجاد می‌کند که طی آن صنعت موظف به تدوین و اجرای استانداردهای لازم می‌شود. از سوی دیگر رویکرد خودتنظیم‌گری داوطلبانه نیز مدلی ایجاد می‌کند که طی آن صنعت قوانین خاصی را تعیین می‌کند که در ادامه توسط دولت تأیید می‌شوند (Ibid). در واقع، در مواردی که خودتنظیم‌گری بر تنظیم‌گری دولتی اولویت پیدا می‌کند، حضور یک دولت آماده و منتظر برای موفقیت در زمینه‌ی خودتنظیم‌گری مفید تلقی می‌شود (Schulz and Held, 2001, p.22; Campbell, 1999, p.758). نکته‌ی اصلی موجود در این مباحث، علی‌رغم نام‌گذاری‌های مختلف، همچنان دخالت دولت (به هر شکل و مقیاسی) در خودتنظیم‌گری است.

۵.۴ الگوها و شواهد کاربردی

تجزیه و تحلیل الگوهای کاربردی در محیط هم‌گرایی اینترنت مستلزم یک نگاهی یک‌پارچه می‌باشد (Latzer, 2009)؛ از آنجایی که بخش‌های مختلف در خدمات رسانه‌ای مبتنی بر اینترنت با یکدیگر «تلاقی» می‌کنند، تحلیل‌ها در بررسی الگوها و شواهد تجربیات نوظهور خودتنظیم‌گری نه بر مبنای لایه‌های افقی اینترنت بلکه بر اساس لایه‌های عمودی صورت می‌گیرد (Werbach, 2005, p.73). همان‌گونه که در شکل ۴ نمایش داده است، مقررات‌گذاری در حوزه‌های محتواسه سطح اصلی دارد.



شکل ۴. لایه‌های سه‌گانه تنظیم‌گری محتوا.

منبع (Marsden, 2012, p. 87)

در سطح رسانه‌های جمعی نهادهای تنظیم‌گری، رویه‌های را در خصوص نظارت بر محتوای تلفن همراه، ویدئوهای آنلاین و بازی‌های رایانه‌ای « خودتنظیم‌گری را ایجاد نموده‌اند (Marsden, 2010, p.190). «هیئت مستقل رده‌بندی تلفن همراه» (Independent Mobile Classification Board: IMCB) در انگلستان نهادی است که اپراتورهای تلفن همراه در زمینه محتوایی که توسط خودشان یا شرکای آن‌ها منتشر می‌شود را متعهد به درجه‌بندی محتوای ارائه شده می‌کند؛ انجمن ویدئوی مبتنی بر تقاضا (The Authority for Television on Demand: ATVOD) نمونه‌ای از خود تنظیم‌گری مشارکتی است از طریق حکم قانونی منبعث قوانین اروپا وضع شده، این نهاد توسط دولت و آفکام در ارتباط با خودتنظیم‌گری پوتمکین (Potemkin) سابق، اجرا شده است؛ طبق قانون ارتباطات سال ۲۰۰۳ در انگلیس، تصمیم گرفته شد تا تنظیم‌گری خدمات ویدئوی درخواستی و یا تلویزیون اینترنتی در حوزه وظایف آفکام قرار نگیرد (Prosser, 2008, p.110). «کمیسیون حمایت از کودکان در رسانه‌ها» (Commission for the Protection of Minors in the Media: KJM) در آلمان، نهاد نظارتی است که وظیفه آن اطمینان از رعایت مقررات تصریح‌شده در «معاهده حفاظت از کودکان» در شبکه‌های تلویزیونی خصوصی و رسانه‌های الکترونیک است و یک نظارت پسینی را بر ارائه‌دهندگان خدمات رسانه‌ای

اعمال می‌کند (Peix, 2020, p.1). «نهاد رده‌بندی رسانه‌های صوتی تصویری هلند» (Netherlands Institute for the Classification of Audiovisual: NICAM) از یک روش یکپارچه تنظیم‌گری مشترک با توجه به الگوی رتبه‌بندی استفاده می‌کند که فیلم‌ها، ویدئوها، دی‌وی‌دی‌ها و برنامه‌های تلویزیونی از جمله موزیک ویدئو و سرویس‌های موبایل را تحت پوشش قرار می‌دهد؛ بدون تردید جدی بودن روند ارزیابی این نهاد و مشارکت داشتن تولیدکنندگان در ارزیابی محصولات خود به عنوان شاخصی مثبت برای برعهده گرفتن مسئولیت توسط صنعت رسانه قلمداد می‌شود (Felini, 2015, P.108).

نهادهای جایگزین تنظیم مقررات نیز در سطوح بین‌المللی، اروپایی و ملی برای تبلیغات، بازاریابی و روابط عمومی (Public relations (PR)) ایجاد شده است. در اروپا خودتنظیم‌گری تبلیغات توسط اتحادیه استاندارد تبلیغات اروپا (EASA) هماهنگ می‌شود؛ در بسیاری از کشورهای اروپایی یک سیستم دوگانه برای قوانین تبلیغات با توجه به مقررات حقوقی، و قوانین و شوراها تبلیغات خودتنظیم‌گر وجود دارد (Brown, 2006, p.32).

تجربه‌های موفق خودتنظیم‌گری نیز در صنعت بازی‌های الکترونیک (کنسول ویدئویی و بازی‌های کامپیوتری) وجود دارد؛ «بنیاد اروپایی اطلاعات بازی» (PEGI) چند سیستم درجه‌بندی سنی ملی را جایگزین کرده است؛ این بنیاد مستقل، غیر انتفاعی و توسط صنعت بنیان‌گذاری شده و اولویت بالایی به حفاظت از منافع صنعت قائل است (Marsden, 2012, p. 158).

افزایش محتوای تولیدشده توسط کاربر (UGC) و افزایش سریع خدمات شبکه اجتماعی، همراه با خودسازمانی و خودتنظیم‌گری است. مؤسسات TNO، DATE، و IViR تعداد ۱۸ نظام‌نامه و دستورالعمل را در زمینه محتوای تولیدشده توسط کاربر در صنایع مختلف موردتوجه قرار داده‌اند. یکی از رایج‌ترین موضوعات در حوزه نقض حقوق مالکیت معنوی (intellectual property (IP)) توسط خدمات آنلاین و در پلتفرم‌های محتوای تولیدشده توسط کاربر است (Price at al.2013. p.380).

در نهایت اینکه، سیاست میدانی مهم دیگر در حوزه روش‌های خودتنظیم‌گری و تنظیم‌گری مشترک در اینترنت، محافظت از کودکان از طریق درجه‌بندی و فیلترینگ محتوا است (Keller and Verhulst 2000; Lievens, 2010). نظام‌های تنظیم‌گری پیچیده با

مشارکت صنایع بزرگ به منظور دسته‌بندی و فیلترینگ محتوای دیجیتال در حال توسعه هستند. شکل‌هایی از خودتنظیم‌گری جمعی در توسعه سیستم‌های درجه‌بندی و استانداردسازی فنی نرم‌افزارهای فیلترینگ وجود دارد (Price at al. 2013, p381). مدل‌های فیلترینگ و درجه‌بندی اینترنت معمولاً بر مبنای روش خودتنظیم‌گری هستند که تولیدکنندگان و ارائه‌دهندگان خدمات محتوا خودشان به کار رتبه‌بندی می‌پردازند. در اینجا، محدودیت‌های خودکاری وجود دارد که منطبق با معیارهای استاندارد است که قبلاً در شرایط خودتنظیم‌گری جمعی مورد توافق قرار گرفته است. دسته‌بندی محتوا از طریق رتبه‌بندی و برچسب‌گذاری به همراه راه‌حل‌های فنی همچون فیلترینگ و کنترل دسترسی که احتمالاً برای خردسالان مضر یا نامناسب هستند، معمولاً در نوآوری‌های جایگزین تنظیمی مختلف، ذکر می‌شوند. هات‌لاین‌هایی (Hotline) نیز برای محتوای غیرقانونی اینترنتی راه‌اندازی شده‌اند؛ بنیاد دیده‌بان اینترنت (Internet Watch Foundation (IWF)) در بریتانیا از سال ۱۹۹۶ یک سیستم اعلان و حذف سیستم به کمک رایانه (CAM)، از سال ۲۰۰۴ یک لیست مسدود کننده شناسانه منبع یکسان (URL) و اخیراً طیف وسیعی از پاسخ‌های دیگر از جمله جستجوهای پیش‌کنشگری (proactive searches) فعال در سراسر جهان و یک لیست هش رمز می‌تصاویر را فعال کرده است تا واسطه‌ها بتوانند بارگذاری‌ها را تشخیص داده و امکان بارگذاری محتوای نامناسب را مسدود کند (McIntyre, 2018, p. 2).

۵. روش‌شناسی

متدولوژی این پژوهش تکیه بر روش کیفی می‌باشد. پژوهش کیفی عبارت است از هر نوع پژوهشی که یافته‌هایی را به دست می‌دهد که با شیوه‌هایی غیر از روش‌های آماری یا هرگونه کمی کردن کسب شده‌اند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۷). برای تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش روش داده بنیاد به کار گرفته شد. گرداند تئوری فرایند ساخت یک نظریه مستند و مدون است که از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده و تحلیل استقرایی داده‌ها انجام می‌گیرد. این روش برای پاسخگویی به پرسش‌های نوین در زمینه‌هایی که دارای مبنای نظری کافی برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون نیستند، به کار گرفته می‌شود. در روش گرداند تئوری، به اجرای سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی وابسته است (منصوریان، ۱۳۸۶: ۱۱۷-۱۲۳).

در این پژوهش از دو ابزار مصاحبه و بررسی اسناد و مستندات استفاده شد؛ در این مطالعه ۱۲ سند سیاستی مورد تحلیل قرار گرفت؛ همچنین ۱۹ مصاحبه (تا جایی که به کفایت نظری رسید) انجام شد. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش بهره‌مندی شیوه نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند بوده است تا به‌منظور دستیابی به اهداف تحقیق، مناسب‌ترین فرد انتخاب شود. راهبردهای نمونه‌گیری هدفمند در این پژوهش بر مبنای اهداف تحقیق و بر اساس ویژگی‌های مندرج در جدول زیر انجام شد.

جدول ۱. مصاحبه شونده‌گان و راهبردهای نمونه‌گیری

مصاحبه شونده	تعداد مصاحبه	دلیل انتخاب	راهبرد نمونه‌گیری
قانون گذارن	۲ مصاحبه	عضویت در نهادها و شوراهای قانونی	نمونه‌گیری موارد خاص
مدیران دولتی - حاکمیتی	۴ مصاحبه	تجربه مدیریت در فضای مجازی و سیاستگذاری رسانه ای	نمونه‌گیری موارد خاص
خبرکان علمی در حوزه تنظیم گری	۵ مصاحبه	بهره مندی از نظریات تخصصی	نظری: نمونه‌گیری متوالی
اعضایی از فعالان صنعت	۸ مصاحبه	اهمیت مشاوره فعالان صنعت	نظری: همگونی

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده از سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و گذاری انتخابی استفاده شده است. در کدگذاری باز، پژوهشگر با تطبیق مستمر پیشامدها یا فعالیت‌های واقعی (داده‌های خام)، به شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود میان آن‌ها پی می‌برد که در نهایت به ساخت یک مفهوم یا مقوله و ابعاد آن منجر می‌شود. (ذوالفقاریان و لطیفی، ۱۳۹۰: ۴۶).

لازم به ذکر است در این راستا یک دستورالعمل کلی مصاحبه به‌عنوان راهنما مورداستفاده قرار گرفت اما محقق قادر بود که سؤالات عمیق‌تری بپرسد و شرکت‌کننده‌ها نیز آزاد بودند که بر حوزه‌های برجسته‌تری تمرکز کنند. برای تحقق رواسازی، پروتکل مصاحبه بر اساس چارچوب پنج «C» (قانون، پوشش، محتوا، ارتباطات و انطباق) مدون شد؛ این ابزار تجزیه و تحلیل بخشی از چارچوبی است که در دانشگاه آکسفورد در تحقیقات انجام شده توسط منرو (Monroe E) در سال ۱۹۹۹ ایجاد شده است و بعدها توسط پژوهش‌گران از جمله مارسدن و همکارانش (۲۰۰۸) توسعه یافت؛ این چارچوب می‌تواند

به‌عنوان ابزاری برای ایجاد کدها، ابزاری برای ساختارمند کردن مصاحبه‌ها منطبق بر حوزه مورد مطالعه (صنعت صوت و تصویر فراگیر) همچنین احصاء مفاهیم سپس مقوله‌ها برای طراحی الگوی مذکور همراه با روش تجزیه تحلیل تئوری زمینه‌ای کمک شایانی نماید؛ کدهای شناسایی شده برای مقایسه و دسته‌بندی مقوله‌های منتخب، در پنج حوزه تحلیلی زیر پوشش داده شدند.

جدول ۲. چارچوب توسعه یافته «5C»

توضیحات	نقش‌های ارائه شده	پنج C آکسفورد
اسناد سیاستی، مقررات و قوانین مربوطه	قانونی بودن نظام	قانون اساسی
نسبت خودتنظیم‌گری و دولت، میزان ایفای نقش، میزان الزام‌آور بودن نقش‌ها، قلمرو و حیطه خود تنظیم‌گری	محدوده	پوشش
طراحی سازمان یا نهاد، ورودی‌ها، فعالیت‌ها، خروجی‌ها	ساختار و سازمان‌دهی	محتوا
بازیگران حاکمیتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی	ذینفعان	ارتباطات
علاقه و نیازهای سیاست‌گذاری/ تأثیرات	زمینه‌هنجاری	انطباق

۶. یافته‌های پژوهش

۱.۶ کدگذاری باز

نخستین مرحله از تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش، تحلیل اسناد سیاستی و مصاحبه‌ها می‌باشد؛ فرایندی که در خلال آن نشانه‌ها (کدها) و مفاهیم شناسایی و ابعاد آن از گزاره‌ها استخراج شده است. در این مرحله نکات کلیدی برجسته منبعث از مصاحبه‌ها و اسناد سیاستی تحلیل و طی کدگذاری اولیه تعداد ۵۳۷ استخراج شد؛ به دلیل حجم داده‌ها در جدول ذیل برخی از این کدها آورده شده است.

جدول ۳. کدگذاری باز پژوهش

کد مصاحبه / سند	کد	گزاره
ماده ۱۰ قانون پنجم توسعه	پالایش محتوایی	پیشنهاد، وضع و اجرای سیاست‌ها و مقررات مورد نیاز و ایجاد و تقویت سازوکارهای لازم برای ساماندهی، نظارت و پالایش

محتوای دیداری، شنیداری و نوشتاری در فضای رسانه‌ای		
استقرار نظام تنظیم گری زنجیره تولید، نشر و مصرف محتوا	استقرار تنظیم‌گری	طرح کلان شبکه ملی اطلاعات (۱۳۹۹)
مزیت بخشی کیفی در دسترسی به خدمات و محتوای داخلی به میزان پنج برابر نسبت به خدمات و محتوای خارجی	خدمات بومی	طرح کلان شبکه ملی اطلاعات (۱۳۹۹)
رده‌بندی محتوای حرفه‌ای منتشر شده و کاربر محور با تأکید بر سازوکارهای خودتنظیم گری	رده‌بندی سنی	طرح کلان شبکه ملی اطلاعات (۱۳۹۹)
توسعه محیط‌های صیانت شده بر بستر شبکه ملی اطلاعات ویژه خردسالان، کودکان و نوجوانان با محتوای متنوع و جذاب و قابلیت پاسخگویی به نیازهای ضروری ارتباطی و محتوایی آن‌ها	توسعه محیط سالم	سند صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی (۱۳۹۹)
وقتی از علایق و نیازهای سیاست‌گذاری صحبت می‌کنیم؛ یعنی چه چیزی مقبول حاکمیت، رسانه‌ها و کاربران است؟	منافع مشترک	مصاحبه شماره ۵
ایجاد مشروعیت برای نظام‌های تنظیم گری یکی از دلایل خودتنظیم گری است؛ اساساً مشارکت در تصمیم‌گیری باعث اعتماد می‌شود.	مشروعیت نهاد	مصاحبه شماره ۳
ایجاد سازوکار و نهادسازی برای مشارکت فعالان صنعت یکی از اقدامات مهم تنظیم گری هست.	نهادسازی	مصاحبه شماره ۶
درجه‌ای تأیید و نظارت تنظیم‌گر اصلی در خصوص تأسیس نهاد خودتنظیم‌گر لازم است؛ چراکه باعث جلوگیری از نفوذ بازیگران بزرگ بر تصمیمات می‌شود.	نظارت تنظیم‌گر	مصاحبه شماره ۱۰
تدوین کدهای محتوایی یک از کار ویژه‌های تخصصی در خودتنظیم گری می‌باشد.	کدهای رفتاری	مصاحبه شماره ۱۸
یکی از موضوع‌هایی و وظایفی را که می‌توان به نهاد خودتنظیم-گری تفویض کرد، تنظیم‌گری تبلیغات است.	مقررات تبلیغات	مصاحبه شماره ۹
حل اختلافات میان اعضا از طریق داوری بر اساس مقررات و قوانین کشور امکان‌پذیر هست.	شورای داوری	مصاحبه شماره ۱۱
حضور سایر بازیگران زنجیره ارزش مانند ارائه‌دهندگان زیرساخت و سرویس‌های اینترنتی به هم‌افزایی بیشتر و کارایی بالاتر خود تنظیم‌گری منجر می‌شود.	بازیگران زنجیره ارزش	مصاحبه شماره ۵

۲.۶ کدگذاری محوری

فرآیند ارتباط دهی مفاهیم به مقوله‌ها به زیر مقوله‌ها و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد است. این کدگذاری، به این دلیل «محوری» نامیده شده است که کدگذاری یک مقوله تحقق می‌یابد (دانایی فرد و امامی؛ ۱۸۶). در این بخش کدهای مستخرج شده از

گزاره‌ها در ۶۲ طبقه‌بندی از مفاهیم قرار گرفته و بر مبنای ویژگی‌های مشترکی مفاهیم مقوله‌بندی شدند.

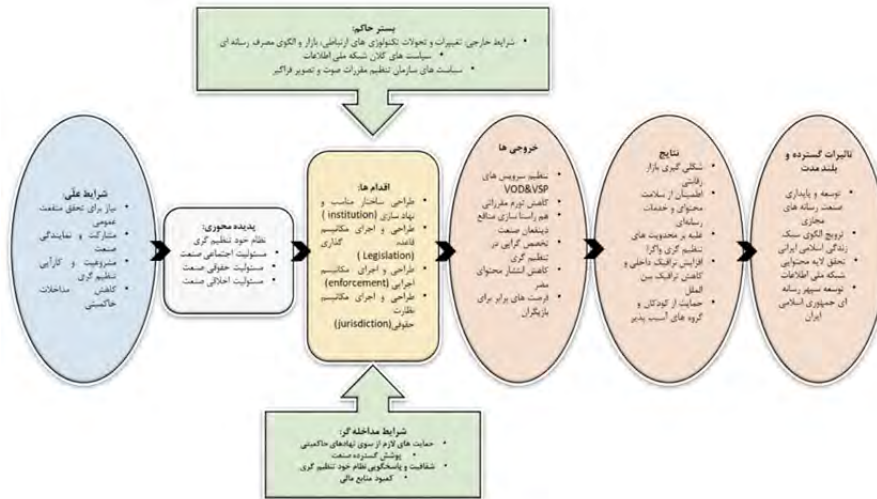
جدول ۴. کدگذاری محوری پژوهش

مقوله	ویژگی مشترک	مفاهیم (فراوانی ارجاع)
منفعت عمومی	منافع اقتصادی	جلوگیری از انحصار و مونوپولی رسانه‌ای و ایجاد بازار رقابتی (۱۷)، توسعه زیست‌بوم اقتصادی رسانه‌ها در فضای مجازی (۱۱)، مالکیت ایرانی بر رسانه‌های صوت و تصویر (۴)، تأمین حقوق تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان محتوا و خدمات رسانه‌ای (۹)
	منافع مربوط به محتوا	محدود کردن محتوای مضر (جنسی، خشونت، توهین و...) (۱۸)، ارتقاء استانداردهای محتوایی و خدمات به لحاظ کیفیت (۱۰)، تأمین ارزش‌های حرفه‌ای و اخلاق ایرانی - اسلامی (۲۰)
	منافع کاربران	حفاظت از داده‌های کاربران و حریم خصوصی آن‌ها (۹)، دسترسی آسان و ارزان به محتوا و خدمات (۵)، حمایت از کودکان و گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی (۹)
اهداف	نیازها	کاهش مداخلات حاکمیتی (۱۱)، مشروعیت و کارایی (۸)، نمایندگی و مشارکت (۱۲)
چشم‌انداز	مسئولیت سه‌گانه	مسئولیت اجتماعی (۷)، مسئولیت حقوقی (۶)، مسئولیت اخلاقی (۳)
تأثیرات خارجی	محیط خارجی	تحولات فناوری رسانه‌ای (۹)، بازار رسانه‌ای (۵)، مصرف رسانه‌ای (۷)
قانونی سازی نظام	انطباق با قوانین	انطباق با قوانین و سیاست‌های ملی (۶)، تایید و نظارت تنظیم‌گر ملی (۱۱) شکل‌گیری با حکم تنظیم‌گر ملی (۸)
شرایط تأثیرگذار	شرایط موثر	پوشش گسترده صنعت (۴)، کمبود منابع مالی (۵)، ضمانت اجرایی تصمیمات (۱۷)، شفافیت و پاسخگویی (۳)
نهادسازی	ابعاد ساختاری	ساختار غیر رسمی (۷)، پیچیدگی عمودی و افقی پایین (۴)، رسمیت پایین (۵)، تصمیم‌گیری مشارکتی (۱۰)، ساختار کمیسیون‌های محصول محور (۷)
	ورودی‌ها و منابع	مجمع عمومی (۱۴)، هیات عامل: ترکیب انتخابی و انتصابی از اعضای صنعت، ذینفعان اجتماعی و حاکمیت (۸)، کمیته‌های تخصصی (۷)، سایر بازیگران زنجیره ارزش (۵)، دبیر اجرایی خارج از صنعت (۵)، تأمین منابع مالی، انسانی و تکنولوژی از طریق حق عضویت (۱۱)، کمک بودجه دولتی (۶)

حقوق نرم: کدهای رفتاری (۱۹)، راهنماها (۴)، توصیه‌نامه (۴)، منشور حقوق مشتری (۲)، استاندارد های الزامات فنی و سرویس (۹)	قاعده گذاری	
مکانیسم های انگیزه محور: تعقیب اخلاقی (۳)، نظام آموزشی (۶) مکانیسم های مشوق محور: امکان استفاده از جرائم بازار (۷)، امکان استفاده از تسهیلات (۱۱)، امکان ترویج و تبلیغ در رسانه ملی (۹) مکانیسم های فناوری محور: سیستم های فیلترینگ و کشف تخلف (۳)، هات لاین (۱)، ایجاد نماد اعتماد محتوایی (۷)	نظام اجرایی	مداخله تنظیم‌گرانه
کمیته انتظامی (۷)، شورای داوری (۱۸)	نظارت حقوقی	
افزایش مشارکت (۹)، کاهش تورم مقرراتی (۱۲)، هم‌راستا سازی منافع (۱۴)، تخصص گرایی (۸)، کاهش انتشار محتوای مضر (۷)، ایجاد فرصت های برابر اقتصادی (۹)	خروجی	
تنظیم گری همگرا (۳)، افزایش ترافیک داخلی (۱۱)، محافظت از گروه‌های آسیب‌پذیر (کودکان، معلولین و...) (۵)	نتایج	پیامد
پایداری صنعت رسانه‌های جدید و پلتفرم‌های ویدئویی آنلاین (۱۱)، تحقق لایه محتوایی شبکه ملی اطلاعات (۷)، ترویج الگوی سبک زندگی ایرانی - اسلامی (۱۰)، توسعه سپهر رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران (۵)	اثرات گسترده	

۳.۶ کدگذاری انتخابی

مرحله نهایی تحلیل داده‌ها کدگذاری انتخابی است. کدگذاری انتخابی را می‌توان به‌عنوان فرآیندی توصیف کرد که در آن دسته‌های مربوط به مقوله اصلی در نهایت پایه اصلی نظریه می‌شوند (Babchuk, 1997, p.2)؛ استراوس و کوربین (1990) کدگذاری انتخابی را به‌عنوان «فرآیند انتخاب مقوله اصلی یا مرکزی، ارتباط دادن آن به مقوله‌های دیگر، تأیید آن روابط و پر کردن در گروه‌هایی که نیاز به اصلاح و توسعه بیشتر دارند» تعریف می‌کنند. در نهایت بر اساس یافته‌ها، مدل پارادایمی طراحی نظام خود تنظیم گری خدمات رسانه‌ای صوت و تصویر فراگیر در قالب شماتیک ارائه می‌شود:



شکل ۴. مدل پارادایمی پژوهش

۷. بحث و نتیجه گیری

بر اساس الگوی حکمرانی پلتفرم‌های ویدئویی آنلاین و مدل پارادایمی این پژوهش، «منفعت عمومی»، «نمایندگی و مشارکت صنعت» و «مشروعیت و کارایی تنظیم گری» به عنوان نیازهای اصلی برای طراحی الگو مدنظر قرار گرفته شده است. مفهوم منفعت عمومی در معیارهای هنجاری تمام نظام‌های تنظیم گری به عنوان یک مأموریت ذاتی گنجانده شده است؛ اگرچه معیارهای سیاستی در سراسر کشورها و در طول زمان مطابق با فلسفه تنظیم گری و شرایط ساختاری-تکنیکی متفاوت بوده است، اما ایده منفعت عمومی به طور سنتی به عنوان «راهنمای هنجاری» برای سیاست‌گذاران رسانه‌ای بکار گرفته می‌شود و قانون‌گذاران عملکرد نظام‌های رسانه‌ای را بر مبنای آن مورد بررسی قرار داده و تغییرات سیاستی را در پرتوی پیشرفت‌های فناورانه، سیاسی، اجتماعی و بازار پیشنهاد می‌کنند. این تحولات منعکس‌کننده تنش وسیعی است که سیاست‌گذاری رسانه را مشخص کرده است: تنش بین اهداف تنظیم گرانه اجتماعی-فرهنگی مانند حمایت از کودکان و گروه‌های آسیب‌پذیر و همچنین تقویت اهداف اقتصادی مانند رقابت و کارایی بازار. یکی دیگر از نیازهای ویژه در نظام‌های خود تنظیم گری «نمایندگی و مشارکت» در فرآیند

تصمیم‌سازی است که بر ماهیت کلی صنعت اثرگذار است؛ لابی کردن به‌عنوان فعالیتی تلقی می‌شود که باید به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر اقدامات یا تصمیم‌گیری‌هایی که توسط مقامات دولتی اتخاذ می‌شود، تأثیر بگذارد؛ این حضور باید رقابت بیشتری را ایجاد و روابط بین حاکمیت و رسانه‌ها را هماهنگ نماید. همچنین مشارکت ذینفعان به‌عنوان یک عنصر مهم سیاستی در تنظیم‌گری محسوب می‌شود؛ برای تضمین «مشروعیت و کارایی تنظیم‌گری» و به رسمیت شناختن اقتدار برای نهاد تنظیم‌گر که متقابلاً منجر به انطباق بیشتر با مقررات می‌شود، تنظیم‌گران در سطح ملی و حتی فراملی موظف به درگیرسازی ذینفعان می‌باشند؛ این رویکرد به‌طور گسترده به این معنی است که رضایت‌مندی و اعتماد کسانی که تحت نظارت هستند، حاصل می‌شود.

با عنایت به چند ذینفعی بودن حکمرانی در محیط جدید رسانه‌ای، نقش و مسئولیت صنعت به‌عنوان یکی از ذینفعان اصلی در فرایند تنظیم‌گری به منظور اثر بخشی مداخله تنظیم‌گرانه در تحقق راهبردهای کلان سیاستی پراهمیت می‌باشد؛ مسئولیت در نظام خود تنظیم‌گری از سه مفهوم «مسئولیت اجتماعی، مسئولیت حقوقی و مسئولیت اخلاقی» تشکیل شده است؛ مسئولیت اخلاقی مقوله‌ای است که همیشه از رابطه سازمان‌ها (رسانه) با شخص دیگر (مخاطب/کاربر) ناشی می‌شود؛ مسئولیت قانونی بر رعایت قانون بنا شده است و صفت «اجتماعی» برای مسئولیت صنعت دربرگیرنده مسئولیتی در برابر تمام جامعه است. ایفای نقش‌های فوق، مستلزم و نیازمند نهادسازی و طراحی سازوکارهای مداخلاتی مناسب است؛ نهادسازی در مفهوم سیاسی به ایجاد یا سازمان‌دهی نهادهای دولتی و غیردولتی که مسئول نظارت یا اجرای سیاست‌های خاصی هستند، اشاره دارد؛ این مفهوم در سازمان‌های تنظیم‌گر تعیین‌کننده قلمرو و نحوه سازمان‌دهی ورودی‌ها برای دستیابی به اهداف کلی و خاص بوده است؛ نظام‌های تنظیم‌گری رسمی آگاهانه طراحی شده‌اند؛ سیاست‌ها، اهداف و قدرت اقدامات از پیش مشخص شده‌اند، اما نظام‌های خودتنظیم‌گری ذاتاً متنوع و انعطاف‌پذیر هستند؛ ابعاد ساختاری این نظام عمدتاً غیر رسمی و محصول محور می‌باشد؛ با تأکید بر رویکرد خودتنظیم‌گری مشارکتی، ورودی‌ها شامل نمایندگان صنعت براساس انتخابات صنفی و بخش انتصابی شامل نمایندگانی از حاکمیت و ذینفعان اجتماعی (انتخاب شده بر اساس فرآیندهای دمکراتیک در ثمن‌ها یا انجمن‌ها مربوط به خود) می‌باشند که هم می‌توانند نقش مشورتی و یا نقش نمایندگی با حق رای

داشته باشند؛ علیرغم تأکید بر جایگاه اعضای صنعت و داشتن اکثریت کرسی‌ها، این ترکیب متنوع و بعضاً غیر همسو در منافع و رویکردها، عملاً امکان تسخیر تنظیم‌گری، نفوذ قدرت‌های مسلط در بازار و تعارض منافع را کاهش می‌دهد و میزانی از رسمیت را برای نظام پیشنهادی ایجاد می‌کند. بر اساس یافته‌های پژوهش، شکل‌گیری نهاد خود تنظیم‌گر برای انطباق با چارچوب‌های قانونی کشور بر اساس حکم تنظیم‌گر ملی یا یک نهاد قانونی دیگر صورت می‌پذیرد؛

اساساً در طراحی نظام‌های تنظیم‌گری سه کارکرد اصلی «مقررات‌گذاری، اجرا و نظارت» از طریق یک نهاد واسط مورد توجه قرار می‌گیرد؛ مکانیسم قاعده‌گذاری در نظام‌های خود تنظیم‌گر معطوف به استفاده از ابزارهای متفاوتی نسبت به اشکال سنتی آن است؛ درحالی‌که برخی از یافته‌ها، مقررات زدایی خالص و ساده را توصیه می‌کنند، برخی دیگر از یافته‌ها ما را ترغیب نمودند تا به دنبال اشکال غیرمستقیم قاعده‌گذاری باشیم؛ این‌ها اشکال جدید و نرم‌تری از مداخله حاکمیت هستند که قصد جایگزینی مقررات سنتی را ندارند بلکه مکمل اشکال کلاسیک هستند؛ «کدهای رفتاری»، «دستورالعمل‌ها»، «توصیه‌نامه‌ها» و «منشورهای حقوق کاربران» از جمله اشکال حقوق نرم هستند، که به لحاظ نیروی تعهد، ضعیف‌تر از نیروی الزام‌آور حقوق سنتی هستند؛ قاعده‌گذاری در نظام خودتنظیم‌گری هم «رویکرد اقتصادی» دارد و هم «رویکرد اجتماعی»؛ در بعد اقتصادی شامل «تنظیم‌گری ساختار بازار» و «تنظیم‌گری رفتار بازیگران» و بعد اجتماعی شامل «صیانت از سلامت محتوا» و «حمایت از مصرف‌کنندگان و کودکان» است. در سطح اجرا درحالی‌که نظام‌های تنظیم‌گری دولتی بر استفاده از قوه قهریه تأکید دارند، نظام خودتنظیم‌گر بر استفاده از مکانیسم‌های انگیزه‌محور («تعقیب اخلاقی»، «ایجاد نظام آموزشی» ایجاد «رویه‌های تعهد جمعی»؛ سازوکارهای مشوق محور («استفاده از جرائم بازار»، «استفاده از تسهیلات و مشوق‌ها»، «ترویج و تبلیغ در رسانه ملی») و همچنین توسعه بهترین تجارب از فناوری‌های نظارتی نظیر «سیستم‌های تشخیص محتوای ناسالم»، «درجه‌بندی و رتبه‌بندی محتوا» و «امکانات کنترل والدین» برای افزایش ضریب سالم‌سازی محتوای رسانه‌های مجازی، تأکید دارد؛ مکانیسم‌های نظارت حقوقی در الگوی خودتنظیم‌گری مشتمل بر «تشکیل شورای انتظامی» و «شورای داوری» برای برخورد با تخلفات و حل اختلافات میان اعضاء است.

در نهایت پیامدهای اجرای خودتنظیم‌گری در سه سطح خروجی، نتایج اولیه و تأثیرات گسترده تقسیم‌بندی شده‌اند؛ خروجی‌ها نتایجی هستند که بلافاصله پس از اجرای فعالیت به دست می‌آیند و عبارت‌اند از: «تنظیم سرویس خدمات درخواستی و پلتفرم‌های اشتراک ویدئو در حوزه سرزمینی و حقوقی ایران»، «کاهش تورم مقرراتی»، «تخصیص‌گرایی در تنظیم‌گری»، «افزایش مشارکت بیشتر اعضا در رعایت مقررات»، «شرایط بازی برابر برای ارائه‌دهندگان محتوا و خدمات»، «توقف محتوای مضر مختل‌کننده رشد جسمی، روحی و روانی کودکان»، «بالا رفتن سطح مسئولیت اجتماعی و حرفه‌ای رسانه‌ها»، «افزایش سهم آثار ایرانی در رسانه» و «گسترش فناوری نظارتی» هستند؛ نتایج اولیه به‌عنوان پیامدهای میان‌مدت در نظر گرفته می‌شوند که ممکن است بلافاصله قابل مشاهده نباشند؛ که عبارتند از: «شکلی دهی بازار رقابتی»، «اطمینان از سلامت محتوا و خدمات رسانه‌ای»، «غلبه بر محدودیت‌های تنظیم‌گری واگرا»، «ایجاد مشروعیت حکمرانی»، «افزایش ترافیک داخلی و کاهش ترافیک بین‌الملل» و «حمایت از کودکان و گروه‌های آسیب‌پذیر». تأثیرات گسترده الگوی حکمرانی پلتفرم‌های آنلاین شامل «پایداری صنعت رسانه‌های جدید»، «تحقق لایه محتوایی شبکه ملی اطلاعات»، «ترویج سبک زندگی ایرانی-اسلامی» و «توسعه سپهر رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران» می‌باشد.

۱.۷ پیشنهادهای تحقیق

بر اساس نتایج، پیشنهادهای پژوهش حاضر در دو بخش تقسیم‌بندی شده‌اند؛ ابتدا توصیه‌هایی را که به اجرای نظام خودتنظیم‌گری مربوط می‌شود به سیاست‌گذاران و در انتها زمینه‌های که مربوط به پژوهش‌های آتی می‌باشند، ارائه می‌شود:

۱. رسمیت بخشیدن به مکانیسم‌های خودتنظیم‌گری و تنظیم‌گری مشارکتی به‌عنوان یک ابزار مداخله در خدمات رسانه‌های فراگیر توسط نهادهای حاکمیتی (تنظیم‌گر ملی و شورای عالی فضای مجازی)؛
۲. نهادسازی برای اجرای خودتنظیم‌گری در بخش خدمات رسانه‌ای بر بستر شبکه‌های ارتباط الکترونیکی؛
۳. طراحی و اجرای نظام آموزشی به‌منظور ترغیب و متقاعدسازی رسانه‌ها برای تدوین و پیاده‌سازی کدهای رفتاری؛

۴. توسعه بهترین الگوها در به کارگیری فناوری های تنظیم گری (Reg-Tech) برای اطمینان از سلامت محتوا و خدمات از طریق مکانیسم های خود تنظیم گری؛
۵. طراحی و اجرای هات لاین ملی (Hotline) برای کاهش محتوای نامناسب و کشف تخلفات محتوایی منتشرشده بر بستر شبکه ملی اطلاعات و توسعه نظارت مردمی؛
۶. طراحی و اجرایی سازی نماد اعتماد محتوایی از طریق پیاده سازی نظام خودتنظیم گری؛
۷. استفاده از ظرفیت سایر ذینفعان و نهادهای اجتماعی به نمایندگی از جامعه برای اجرای یک حکمرانی مشارکتی از طریق اجرای نظام طراحی شده؛
۸. گسترش و توسعه شبکه تنظیم گری به منظور ایجاد یک نظام تنظیم گری هم گرا از طریق سازوکارهای خود تنظیم گری و تنظیم گری مشارکتی به شمول تمام بازیگران زنجیره تأمین و ارزش خدمات رسانه ای آنلاین؛
۹. ایجاد نظام ارزیابی و رتبه بندی خدمات رسانه ای و پلتفرم های ویدئویی آنلاین؛
۱۰. ایجاد صندوق تسهیلات و مشوق های مالی برای توانمندسازی ارائه دهندگان خدمات رسانه ای بر اساس نظام ارزیابی و رتبه بندی؛

پیشنهاد برای تحقیقات آتی:

۱. مطالعه تطبیقی تجربیات بین المللی نظام های خودتنظیم گری از منظر طراحی، اجرا و نظارت به طور مثال آمریکا، اروپا و چین
۲. مطالعه در خصوص خودتنظیم گری و نقش کمیسیون های رسانه ای و نهادهای حرفه ای در جهان اسلام
۳. مطالعه متدولوژی تدوین کدهای رفتاری در بخش های مختلف مربوط به خدمات رسانه ای به طور مثال صنعت فیلم، بازی های برخط، پلتفرم های اشتراک ویدئو و تجمیع کنندگان محتوا
۴. مطالعه در خصوص رابطه فناوری های نظارتی و خودتنظیم گری در پلتفرم های کاربرمحور
۵. طراحی مدل اثربخشی نظام های تنظیم گری مشارکتی و خودتنظیم گری

کتاب‌نامه

- آنسلم استراس، جولیت‌ام. کوربین (۱۳۹۰)؛ اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها؛ ترجمه بیوک محمدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دانایی‌فرد، حسن؛ امامی، سید مجتبی (۱۳۸۶)؛ استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، دوره ۱، شماره ۲ - شماره پیاپی ۲.
- ذوالفقاریان، محمدرضا؛ لطیفی میثم (۱۳۹۰)؛ نظریه پردازی داده بنیاد با نرم افزار NVivo8، دانشگاه امام صادق (ع).
- فرخی، میثم؛ نادری نژاد مهدی (۱۳۹۸)؛ تحولات سیاستگذاری فرهنگی شبکه های اجتماعی مجازی در جمهوری اسلامی ایران: مورد مطالعه تحلیل اسناد بالادستی، فصلنامه مطالعات فرهنگ و ارتباطات، دوره ۲۰، شماره ۴۸ - شماره پیاپی ۸۰.
- منصوریان، یزدان (۱۳۸۶)؛ گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟ همایش چالش‌های علم اطلاعات. دانشگاه اصفهان، ۹ خرداد ۸۶.

- Babchuk, W. A. (1997). Glaser or Strauss: Grounded theory and adult education. Paper presented at the Midwest Research-to-Practice Conference in Adult, Continuing and Community Education, Michigan State University, East Lansing, Michigan.
- Baldwin, R. Cave, M and Lodge, M (2012), Understanding Regulation. Theory, Strategy, and Practice, second edition. Oxford: Oxford University Press.
- Baldwin R, Scott C, Hood C (1998) A Reader on Regulation. Oxford University Press, Oxford.
- Bartle, I. and Vass, P. (2005), Self-Regulation and the Regulatory State: A Survey of Policy and Practice, School of Management University of Bath.
- Bauer, J. (2010) 'Changing roles of the state in telecommunications,' International Telecommunications Policy Research, 17 (1): 1 - 36.
- Black, J. (2001). Decentring regulation: Understanding the role of regulation and self-regulation in a 'post-regulatory' world. In M. Freeman (Ed.), Current legal problems (pp. 103-146). Oxford: Oxford University Press.
- Boyer, D. (2003) 'Censorship as a vocation: The institutions, practices and cultural logic of media control in the German Democratic Republic,' Comparative Studies in Society and History, 45 (3): 511 - 545
- Breyer, S. (1982). Regulation and Its Reform (United States of America: Harvard University Press Publishing.

- Brown , A.(2006) ‘ Advertising regulation and co- regulation: The challenge of change , Economic Affairs, 26 (2): 31 – 36 .
- Campbell ,A. (1999),Self-Regulation and the Media, Federal Communications, Law Journal 51, no. 3. <https://www.repository.law.indiana.edu/fclj/vol51/iss3/11/>
- Cisco (2017), Cisco Visual Networking Index Predicts Global Annual IP Traffic to Exceed Three Zettabytes by 2021 [https://newsroom.cisco.com/press-release content?type=webcontent&articleId=1853168](https://newsroom.cisco.com/press-release/content?type=webcontent&articleId=1853168)
- ersbergen, K. V., & Waarden, F. V. (2004). ‘Governance’ as a bridge between disciplines: Cross-disciplinary inspiration regarding shifts in governance and problems of governability, accountability and legitimacy. *European Journal of Political Research*, 43(2), 143–171.
- Freedman, D. (2008). *The politics of media policy*. Cambridge: Polity Press
- Hertog, J.A. den (1999). *General Theories of Regulation*, *Encyclopedia of Law and Economics*, pp. 223 – 270, <https://reference.findlaw.com/lawandeconomics/5000-general-theories-of-regulation.pdf>
- IDATE , TNOand IviR(2008) User- Created Content: Supporting a Participative Information Society, Final report, SMART 2007/2008.
- Just , N.and Latzer , M and Saurwein , F.(2007) ‘Communications governance: Entscheidungshilfe für die wahl des regulierungsarrangements am beispiel spam ,’ in P. Donges(ed.) *Von der Medienpolitik zur Media Governance?* Köln : Herbert von Halem Verlag .
- Just , N.and Latzer , M.(2004) ‘ Self- and co- regulation as indicators of a transformed statehood in the mediamatics sector ,’ in S. Puntscher Riekman , M. Mokreand M. Latzer(eds.) *The State of Europe: Transformations of Statehood from a European Perspective*, Frankfurt and New York : Campus Verlag
- Katzenbach, Christian .(2013), *Media governance and technology: From “code is law” to governance constellations*, Forthcoming in: Monroe Price, Stefaan Verhulst and Libby Morgan (Eds.), 2013, *Routledge Handbook of Media Law*, Routledge, Abingdon, New York, pp. 399-418., Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2392713>
- Keller , D.and Verhulst , S. G.(2000) *Parental Control in a Converged Communications Environment. Self-Regulation, Technical Devices and Meta- Information*, Report commissioned for the DVB Regulatory Group. Online.
- Latzer , M.(1997) *Mediamatik: Die Konvergenz von Telekommunikation, Computer und Rundfunk*, Opladen : Westdeutscher Verlag
- Latzer, M. (2007) *Regulatory choice in communications governance*, *European Journal of Communication* 22:3, pp. 399–405
- Lessig L. (1999) *Code and Other Laws of Cyberspace*, Basic Books
- Lessig, L. (1998) *Governance*. Keynote speech at CPSR Conference on Internet Governance, October 10. <https://cyber.harvard.edu/works/lessig/cpsr.pdf>
- Lessig, L. (2006). *Code* (2nd ed.). New York; London: BasicBooks.

- Lievens , E.(2010) Protecting Children in the Digital Era: The Use of Alternative Regulatory Instruments, Leiden and Boston, MA : Martinus Nijhoff Publishers
- Lievens, Valcke and Valgaeren, (2010), State of the Art on Regulatory Trends in Media, Interdisciplinary Centre for Law & ICT (ICRI) Katholieke Universiteit Leuven.
- MacLean Don ed. (2004) Internet Governance: A Grand Collaboration, ICT Task Force Series 5. New York
- Majone, Giandomenicov. (2007), The rise of the regulatory state in Europe, https://www.researchgate.net/publication/311741196_The_Rise_of_the_Regulatory_State_in_Europe
- Marsden ,C.(2012), Co-Regulation in European Media and Internet Sectors,
- Marsden, C .(2010), Net Neutrality: Towards a Co-Regulatory Solution, Poomsbury Publishing
- McQuail, D. (2005). McQuail's mass communication theory (5th ed.). London: Sage.
- McQuail, D. (2007). Introduction: The current state of media governance in Europe. In G. Terzis (Ed.), European media governance: National and regional dimensions (pp. 17–25). Bristol: Intellect
- Michael , D. C.(1995) ‘ Federal agency use of audited self- regulation as a regulatory technique , Administrative Law Review, 47 : 171 – 253 .
- Monroe E. Price, Stefaan G. Verhulst and Libby Morgan. (2013), Routledge Handbook of Media Law, Simultaneously published in the USA and Canada by Routledge 711 Third Avenue, New York, NY 10017
- Noam , E.(1992) Telecommunications in Europe, New York and Oxford : Oxford University Press .
- O Siochr ´ u, S., & Girard, B. (2002). ´ Global media governance. A beginner's guide. Lanham, MD: Rowman & Littlefield.
- Ogus , A.(2001) Regulation, Economics and the Law, Cheltenham : Edward Elgar .
- Ogus, Anthony. (1994), Regulation: Legal Form and Economic Theory, Oxford: Hart Publishing.
- Padovani ,Claudia and Pavan ,Elena. (2011) ,Actors and Interactions in Global Communication Governance: The Heuristic Potential of a Network Approach, <https://www.researchgate.net/publication/229880971>
- Peix ,Arvid. (2020), KJM approves new Internet age verification method, Institute of European Media Law, published in IRIS Legal Observations of the European Audiovisual Observatory.
- Price , M. E. , Saurwein , F.and Verhulst , S. G.(2007) Comparative Analysis of International Co- and Self- Regulation in Communications Markets, Research report commissioned by Ofcom, Vienna : ITA
- Pries, Margot, The Privatization of Regulation: Five Models of Self-Regulation (1998). Ottawa Law Review, Vol. 29, No. 2, 1998, Available at

SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2723562>

- Prosser, T. (2008) Self-regulation, co-regulation and the Audio-Visual Media Services Directive, *Journal of Consumer Policy* 31, pp. 99–113
- Puppis, M. (2007), Media Governance as a Horizontal Extension of Media Regulation: The Importance of Self- and Co-Regulation, *European Journal of Communication*, Volume 32, Issue 3.
- Puppis, Manuel. (2010), Media Governance: A New Concept for the Analysis of Media Policy and Regulation, IPMZ—Institute of Mass Communication and Media Research, University of Zurich, CH-8050 Zurich, Switzerland
- Schneider, V. (2001) *Die Transformation der Telekommunikation: Vom Staatsmonopol zum globalen Markt (1800–2000)*, Frankfurt and New York : Campus
- Schulz, W, Held, T. (2001), *Regulated Self-Regulation as a Form of Modern Government*, Hamburg: Verlag Hans Bredow Institut.
- Scott, C. (2002) 'Private regulation of the public sector: A neglected facet of contemporary governance,' *Journal of Law and Society*, 29 (1): 56–76
- Van Cuilenburg, J. and McQuail, D. (2003) 'Media policy paradigm shifts: Towards a new communications policy paradigm,' *European Journal of Communication*, 18 (2): 181–207
- Walsh, C. (2012), *Territorial Agenda of the European Union 2020: Towards an Inclusive, Smart and Sustainable Europe of Diverse Regions*. Plan. Theory Pract.
- Weinand Jenny. (2018). *Implementing the EU Audiovisual Media Services Directive. Selected issues in the regulation of AVMS by national media authorities of France, Germany and the UK*. Nomos Verlagsgesellschaft, Baden-Baden, Germany 2018. Printed and bound in Germany.
- Werbach, K. (2005) *Federal computer commission*, *North Carolina Law Review* 85, p.1
- McIntyre, T.J. (2018), *Internet Censorship in the United Kingdom: National Schemes and European Norms*, in Edwards (ed), *Law, Policy and the Internet* (forthcoming Hart Publishing, 2018), https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3182549